

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۴۶ حافظ

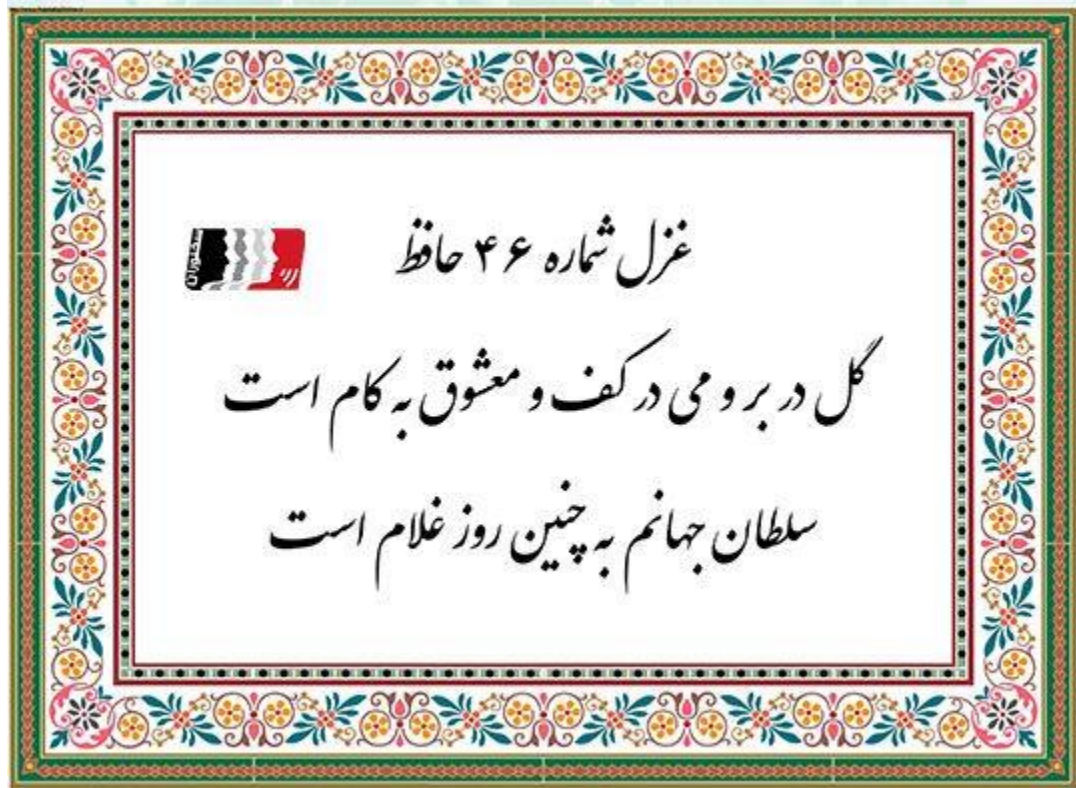
گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
سلطان جهانم به چنین روز غلام است

غزل ۴۶ حافظ با گل در بر و می در کف و معشوق به کام است آغاز می شود. وزن غزل گل در بر و می در کف ، مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی بر حافظ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده می باشد. آنچه در ادامه می خوانید:

۱- متن غزل

۲- شرح و تفسیر غزل

۳- معنی لغات



متن غزل شماره ۴۶ حافظ

گُل در بر و می در کف و معشوق به کام است

سلطان جهانم به چنین روز غلام است

گو شمع میارید در این جمع که امشب

در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

در مذهب ما باده حلال است ولیکن

بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است

گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است

چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است

در مجلس ما عطر میامیز که ما را

هر لحظه ز گیسوی تو خوش بوی مَشام است

از چاشنی قند مگو هیچ و ز شگر

زان رو که مرا با لب شیرین تو کام است

تا گنج غمت در دل ویرانه مُقیم است

همواره مرا کوی خرابات مُقام است

از ننگ چه گویی که مرا نام ز ننگ است

وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است

میخواره و سرگشته و رندیم و نظرباز

وآن کس که چو ما نیست در این شهر کدام است؟

با محتسبم عیب مگویند که او نیز

پیوسته چو ما در طلب شرب مدام است

حافظ منشین بی می و معشوق زمانی

کایام گل و یاسمن و عید صیام است

شرح و تفسیر غزل شماره ۴۶ حافظ

گل در بر و می در کف و معشوق به کام است

سلطان جهانم به چنین روز غلام است

بر: بغل و کنار

کف: منظور کف دست است

کام: هم آغوشی با معشوق

غلام: برده، بنده، اسیر

معنی بیت: در باغ و گلستان با یار باده نوشیدن و عشق بازی کردن از پادشاهی و سلطنت جهان خوشتر و بالاتر است.

گو شمع میارید در این جمع که امشب

در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

گو: یعنی طایفه ای که در کشتی شان در دریا حرکت نمی کند. البته در نسخه قزوینی کشتی شکستگانیم ضبط شده است. به این معنی که کشتی دچار آسیب شده است و نگرانی شاعر را از اینکه ممکن است دیگر یار را نبیند نشان می دهد.

ماه رخ: صورت چون ماه که صورت از نظر زیبایی به ماه تمام یا ماه شب چهارده تشبیه شده است. (اضافه تشبیهی است)

معنی بیت: در این مجلس نیازی به شمع برای روشنایی نیست که صورت یار مانند ماه شب چهارده می درخشد و همه جا را روشن می کند.

در مذهب ما باده حلال است ولیکن
بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است

مذهب: آیین، دین، روش، سنت، شرع، شریعت، طریقه، طریقت، کیش، مسلک، مشرب، نحله

باده: شراب

سرو گل اندام: یار قدبلند ظریف و زیبا

معنی بیت: درست است که در مسلک و آیین عشاق، باده نوشی رواست ولی بی تو ای یار زیبا، شراب بر ما حرام است. مراد آنکه هر چیز تلخ با یار شیرین است و هر شیرینی بی یار، تلخ و زهر کشنده است.

گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است
چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است

قول نی: آواز نی

نغمه چنگ: صدای چنگ. چنگ نام ساز است مشهور که سر آن خمیده است و تارها دارد.

لعل لب: سرخی لب. کنایه از معشوق است.

گردش جام: منظور گردش جام شراب در مجلس میگساری برای نوشیدن مهمانان است

معنی بیت: تنها صدایی که می شنوم صدای طرب و موسیقی و آواز نی و نغمه چنگ است و تنها چیزی که می بینم معشوق و گردش جام شراب است. مراد آنکه جز شنیدن صدای موسیقی و دیدن یار نه چیزی ارزش گوش کردن دارد و چیزی ارزش دیدن

در مجلس ما عطر میامیز که ما را
هر لحظه ز گیسوی تو خوش بوی مشام است

عطر میامیز: عطر زن، عطر آمیختن کنایه از عطر زدن و پخش کردن عطر در هوا است

گیسو: زلف، موی

مشام :بویایی، شامه، بینی

معنی بیت :ای یار زیبا در مجلس ما عطرافشانی مکن که مشام و شامه ما از بوی خوش گیسوانت معطر و خوشبو است.

از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر
زان رو که مرا با لب شیرین تو کام است

چاشنی قند :مزه شیرین و لذیذ . کنایه از خوارک و مزه شیرین و لذیذی است که با شراب می خورند

شکر :تشدید در این واژه به ضرورت وزن شعری است

کام :ای یار زیبا، از لذت و شیرینی مزه شراب حرف نزن که برای من شیرین تر و لذیذتر از طعم لب و دهانت نیست.

معنی بیت :کسی که با دشمنان به جوانمردی و با دوستان با مدارا و تحمل رفتار می کند در این جهان رنجی نمی برد.

تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است
همواره مرا کوی خرابات مقام است

مُقیم :ساکن

خرابات :شرابخانه . جایی مانند میخانه که دارای وسایل عیش و عشرت و محل باده پیمایی و عشق ورزی با کنیزکان بوده و زندان در آنجا به عیش و نوش سرگرم می شدند

مُقام :جایگاه، اقامتگاه

معنی بیت :از زمانی که غم فراق و عشق تو همچون گنجی در دل خراب من جا خوش کرده است، پیوسته روزگار در کنج میخانه می گذرانم.

از ننگ چه گویی که مرا نام ز ننگ است

وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است

مرا نام ز ننگست: شهرت و اعتبار من از بدنامی است

مرا ننگ ز نامست: از شهرت و اعتبار ننگ دارم

معنی بیت: مرا از بدفرجامی و بی آبرویی می ترسانی که همه اعتبار و شهرت و معروفیت من از بدنامی رندی و میگساری و رسوایی عاشقی است. و از من در مورد نامداری و اعتبار و آبرو می پرسی که من از این ها بیزارم.

میخواره و سرگشته و رندیم و نظرباز

و آن کس که چو ما نیست در این شهر کدام است؟

میخواره: شرابخوار

سرگشته: آواره، در به در

رند: منکر و لابلالی و بی قید، ایشان را از این جهت رند خوانند که ظاهر خود را در ملامت دارد و باطنش سلامت باشد. به گروهی گویند که بی قید و لابلالی بوده باشند و رندان، مجردان و صافان و بی علاقگان را گویند. منکری که انکار او از امور شرعیه از زیرکی باشد نه از جهل

نظرباز: چشم چران. جمال پرست. عاشق پیشه. کسی که هر زیبارویی را می بیند عاشقش می شود. آنکه عادت به نظر کردن خوبان دارد.

معنی بیت: ما مردمانی شرابخوار و آواره و رند و جمال پرست هستیم. در این شهر کدام کس است که آلوده به این امور نباشد.

با محتسبم عیب مگوئید که او نیز

پیوسته چو ما در طلبِ شُرْبِ مدام است

محتسب: داروغه

عیب: ایراد، خرده، انتقاد

شُرْبِ مدام: همیشه ، دایمی . در قدیم به معنای شراب بوده است.

معنی بیت: قصه باده گساری و شراب خواری مرا به داروغه نگویند که او هم مثل ما اهل شراب و مستی است.

لازم به ذکر است که در زمان خواجه حافظ همه امور مربوط به شرب خمر و زنا و مرتکبین به نواهی را محتسب یا داروغه انجام می داده است. از قرار معلوم محتسبین را از بین علما و زهاد و پارسایان انتخاب می کردند. و خواجه در این بیت تعریضی به زاهدان و عابدان دارد.

حافظ منشین بی می و معشوق زمانی

کایام گل و یاسمن و عید صیام است

یاسمن: درختچه ای از تیره ُ زیتونیان که دارای گونه های برافراشته و یا بالارونده است . گلپایش درشت و معطر و به رنگهای سفید یا زرد و یا قرمز میباشد. گلپایش گاهی منفرد و گاهی به صورت آرایش گرز در انتهای شاخه قرار می گیرند. در حدود صد گونه از این گیاه شناخته شده که غالباً از گلپای گونه های معطر آن در عطرسازی استفاده میکنند از شاخه بالنسبه جوان یاسمن سفید جهت ساختن پیپ استفاده میکنند. (بعلت معطر بودن چوب آن)

عید صیام: عید فطر . عید ماه رمضان

معنی بیت: حافظ عید فطر فرا رسیده که همزمان با فصل گل و یاسمن است و ممنوعیت باده گساری تمام شده است. دیگر لحظه ای را بی می و معشوق سپری نکن.

نویسنده: دکتر زند